

7515

۱۰۰۰

۱

۳۵۲

کتابخانه

درسنامه مسائل خلائی

تألیف: استاد فرزانه محمد جعفر طبسی

- سرشناسه: طبسی، محمد جعفر، ۱۳۳۵ -
 عنوان و نام پدیدآور: درسنامه مسائل خلافی / محمد جعفر طبسی.
 مشخصات نشر: قم: برگ فردوس، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری: ۳۵۲ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۷۹-۳۷-۱
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کاری از مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم السلام
 موضوع: وهابیه -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها
 موضوع: Wahhabiyah -- Apologetic works
 موضوع: شیعه -- دفاعیه‌ها
 موضوع: Shi'ah -- Apologetic works
 موضوع: وهابیه - عقاید
 موضوع: Wahhabiyah -- Doctrines
 رده بندی کنگره: ط ۴۲ د ۶ / ۱۳۹۷ / BP۲۰۷
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۱۶
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۱۰۴۱۸



مركز تحصيلي ائمه اطهار

نام کتاب: درسنامه مسائل خلافی

مؤلف: محمد جعفر طبسی (استاد مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم السلام)

ناشر: برگ فردوس

نوبت و سال انتشار: اول، ۱۳۹۷

چاپ: مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم السلام

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۷۹-۳۷-۱

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

مرکز بخش: قم - میدان معلم - مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم السلام

تلفن: ۳۷۷۳۳۵۴۵ - ۳۷۸۳۹۵۹۵



www.Ketab.ir

فهرست مطالب

۱۹.....	پیش‌گفتار
۲۳.....	مقدمه مؤلف
۲۳.....	پیشینه و هابیت
۲۸.....	ابن تیمیّه و دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام
۲۹.....	نسل أحمد بن حنبل
۳۰.....	سفرهای علمی
۳۰.....	اوضاع سیاسی
۳۱.....	تفکرات أحمد بن حنبل
۳۲.....	مواضع أحمد بن حنبل در برابر دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام
۳۲.....	۱. دفاع از معاویه
۳۲.....	۲. ستایش از طرفداران یزید
۳۳.....	مواضع أحمد بن حنبل نسبت به متوکل عباسی ناصبی
۳۳.....	متوکل کیست؟
۳۳.....	حمایت متوکل از احمد بن حنبل
۳۴.....	ارادت احمد به متوکل
۳۴.....	نقل حدیث محدثان زیر نظر متوکل
۳۴.....	۱. دعوت به تجسیم خدا

۲. توسعه در معنای کفر و شرک ۳۶
۳. کاستن از مقامات پیامبران و اولیای الهی ۳۶
۴. تکفیر مسلمین ۳۶
- جنایات وهابی ها ۳۶
- اعتراف تکان دهنده ۳۷
- تقدیر و تشکر ۳۸
- مقدمه مترجم ۳۹
- درس اول: اعلیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر همه صحابه ۴۱
- تصریح ابوبکر بیهقی به اعلیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۴۳
- ابوبکر بیهقی کیست؟ ۴۳
- اعلیت حضرت در آیه مباحله ۴۴
- اعلیت علی (علیه السلام) نزد نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) ۴۶
- یحیی بن معین کیست؟ ۴۷
- اعلیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نزد صحابه و تابعین ۴۸
- سلمان حدیث افضلیت امیرالمؤمنین را نقل می کند ۴۹
- اعلیت امیرالمؤمنین از زبان فرزندش امام حسن (علیه السلام) ۴۹
- اعلیت علی (علیه السلام) در حدیث «طیر» ۵۰
- دیدگاه گنجی درباره حدیث ۵۱
- اما بحث دلالتی حدیث طیر ۵۲
۱. حکم بن عتیبه و افضلیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۵۳
- دیدگاه ذهبی ۵۴
- سلیمان از خبرگان علم رجال ۵۵
۲. عبدالله بن مسعود و اعلیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۵۵
- ابن مسعود کیست؟ ۵۵
۳. رمانی و افضلیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۵۵

۵۶.....	۴. اعتراف معاویه به أعلمیت امیرالمؤمنین علیه السلام
۵۷.....	۵. جابر بن عبدالله أنصاری و أعلمیت امیرالمؤمنین علیه السلام
۵۸.....	۶. شریک بن عبدالله و أعلمیت امیرالمؤمنین علیه السلام
۵۸.....	شریک کیست؟
۵۸.....	دیدگاه ذهبی نسبت به کلام شریک
۵۹.....	چند مناقشه در کلام ذهبی
۶۰.....	موضع شریک نسبت به معاویه
۶۶.....	نتیجه بحث
۶۶.....	اعتراف عامر به أعلمیت امیرالمؤمنین علیه السلام
۶۷.....	پرسش
۶۹.....	درس دوم: سجده بر زمین
۷۱.....	سجده در لغت
۷۱.....	فرق بین «مسجود له» و «مسجود علیه»
۷۱.....	سجده در عصر رسالت
۷۱.....	مراحل سه گانه سجده
۷۲.....	روایاتی که در مورد خنک کردن ریگ وارد شده، در این مرحله بوده
۷۳.....	امر به خاک نهادن پیشانی
۷۳.....	امر به کنار زدن عمامه از روی پیشانی
۷۴.....	سیره صحابه و تابعین
۷۵.....	مرحله دوم: اجازه سجده بر «سجاده‌های بافته شده از درخت خرما» و «سنگریزه»
۷۵.....	مرحله سوم
۷۵.....	روایات این مرحله
۷۶.....	خلاصه بحث
۷۷.....	آخرین سخن
۷۷.....	پرسش

۷۹.....	درس سوم: اختلاف در چگونگی وضوء
۷۹.....	روایت صحیح مسلم
۸۰.....	منشأ اختلاف
۸۱.....	۱. اختلاف در قرائت
۸۲.....	۲. تمسک به روایات نسخ شده
۸۳.....	۳. شیوع شستن پاها توسط حکومت
۸۴.....	اختلاف قرائات در مسح پاها اثر ندارد
۸۴.....	کلام ابن حزم
۸۵.....	کلام فخر رازی
۸۵.....	اختلاف قرائت و شستن پاها
۸۶.....	شبهات و پاسخ آنها
۸۶.....	پاسخ جصاص
۸۸.....	مسح در روایات
۸۹.....	دیدگاه ابن کثیر
۹۱.....	پرسش
۹۳.....	درس چهارم: ایمان ابوطالب علیه السلام
۹۴.....	ایمان ابوطالب به خدای متعال
۹۴.....	فرمایشات ائمه معصومین علیهم السلام در مورد ایمان ابوطالب
۹۷.....	شبهات و پاسخ آنها
۱۰۳.....	دیدگاه سیدبن طاووس
۱۰۴.....	پرسش
۱۰۵.....	درس پنجم: توسل
۱۰۵.....	توسل در لغت
۱۰۷.....	نتیجه بحث
۱۰۷.....	اقسام توسل

۱۰۷	 توسل در قرآن کریم
۱۰۹	 توسل در سنت نبوی
۱۱۰	 دلائل حدیث شریف
۱۱۱	 دیدگاه قاضی عیاض
۱۱۲	 توسل صحابه رسول اکرم صلی الله علیه و آله
۱۱۳	 اشکال و پاسخ آن
۱۱۶	 توسل به قبر بخاری
۱۱۷	 دیدگاه ابن تیمیه
۱۱۸	 مناظره ابن تیمیه در قاهره
۱۱۹	 توسل در سیره مسلمین
۱۱۹	 ۱. توسل شافعی به ابوحنیفه
۱۱۹	 ۲. توسل محمد بن علی بن سهل به امام رضا علیه السلام
۱۲۰	 ماسرجسی کیست؟
۱۲۰	 توسل أبوعلی الخلال
۱۲۰	 توسل حاکم نیشابوری
۱۲۱	 حاکم کیست؟
۱۲۱	 ۴. توسل ابوالولید نیشابوری
۱۲۱	 ابوالولید کیست؟
۱۲۴	 گفتار سبکی
۱۲۴	 پرسش
۱۲۵	 درس ششم: عدالت صحابه
۱۲۷	 عدالت همه صحابه در ترازوی نقد
۱۲۷	 نمونه هایی از غلو درباره صحابه
۱۲۹	 خلاصه دیدگاه اهل تسنن درباره عدالت صحابه
۱۲۹	 ۱. فاسق

- ۱۳۰ ولید بن عقبه شارب خمر بود
- ۱۳۱ ولید در حال مستی با مردم نماز می خواند
- ۱۳۲ صحابی شارب خمر
- ۱۳۲ صحابی که نظرش را بالاتر از نظر رسول اکرم می داند
- ۱۳۲ صحابی زمینه قتل حسین بن علی علیه السلام را فراهم می کند
- ۱۳۳ بعضی از صحابه شعبه ای از «کفر» دارند
- ۱۳۴ برانت رسول خدا از بعض صحابه
- ۱۳۴ نفاق بعضی صحابه
- ۱۳۴ بعضی صحابه رسول اکرم را در حال ایستاده رها کردند
- ۱۳۵ بعضی از صحابه به پیامبر اکرم اتهام می زدند
- ۱۳۵ صحابی زناکار
- ۱۳۵ صحابی خمر فروش
- ۱۳۵ صحابی که در قتل مسلم بن عقیل شرکت می کند
- ۱۳۷ صحابی که شمشیر بر روی ریحانه رسول خدا کشید
- ۱۳۷ صحابی که با سنت رسول اکرم مخالفت کرد
- ۱۳۸ تمسک به یک حدیث جعلی
- ۱۳۸ نتیجه بحث
- ۱۳۸ پرسش
- ۱۴۱ درس هفتم: زیارت قبور
- ۱۴۳ زیارت در روایات
- ۱۴۳ ادله و هابیون بر منع زیارت قبور
- ۱۴۴ پاسخ این دیدگاه
- ۱۴۴ بیان استدلال
- ۱۴۴ عرضه شدن اعمال مسلمانان بر آن حضرت
- ۱۴۶ بلال نزد قبر پیامبر اکرم

۱۴۶	ریشه عدم جواز زیارت در کجاست؟
۱۴۷	زیارت قبور کفار مانعی ندارد!
۱۴۷	زیارت قبور، عمل مسیحیان!
۱۴۸	آمدن اعرابی نزد قبر پیامبر اکرم
۱۴۸	نکات قابل تأمل
۱۴۹	پرسش
۱۵۱	درس هشتم: تشویب
۱۵۴	تشریح اذان نزد اهل سنت
۱۵۵	ماهیت تشویب
۱۵۵	جایگاه این جمله در اذان
۱۵۶	حکم تشویب نزد اهل سنت
۱۵۷	بررسی روایات
۱۵۸	اشکالات روایات مذکور
۱۵۹	روایت ابن ماجه
۱۵۹	پاسخ از روایت
۱۶۰	روایت دوم ابن ماجه
۱۶۱	روایت ابی محذوره
۱۶۱	پاسخ از روایت
۱۶۲	نتیجه بحث
۱۶۲	تصریحات مهم در این موضوع
۱۶۳	تذکر سه نکته
۱۶۳	طاووس کیست؟
۱۶۴	اقوال فقها
۱۶۵	خلاصه بحث
۱۶۶	پرسش

- درس نهم: «حي على خير العمل» سنت يا حذف از اذان ۱۶۷
- حي على خير العمل در روايات ۱۶۸
- شهادت تاريخ به «حي على خير العمل» در اذان ۱۶۹
- جمله «حي على خير العمل» كي حذف شد؟ ۱۷۰
- گفتار ابن حزم ظاهري ۱۷۰
- نقد كلام ابن حزم ۱۷۱
- نتيجه بحث ۱۷۲
- پرسش ۱۷۲
- درس دهم: تبرك ۱۷۳
- تبرك از ديدگاه قرآن ۱۷۳
- تبرك به پيامبر اكرم ﷺ ۱۷۴
- تعجب ابن تيميه از پاسخ احمد بن حنبل ۱۷۷
- تبرك فاطمه عليها السلام به قبر رسول خدا ﷺ ۱۷۷
- تبرك ابويوب انصاري ۱۷۷
- تبرك محمد بن منكدر به قبر رسول خدا ﷺ ۱۷۸
- پرسش ۱۷۹
- درس يازدهم: ارسال و تكفير ۱۸۱
- ديدگاه مذاهب چهارگانه ۱۸۱
- بيان ابن رشد ۱۸۳
- بررسی دلالي روايات ۱۸۴
- نتيجه بحث ۱۸۷
- روایت صادقین عليهم السلام ۱۸۷
- پرسش ۱۸۸
- درس دوازدهم: ازدواج موقت در شريعت اسلام ۱۸۹
- احكام متعه ۱۹۰

۱۹۱	 نکاح متعه در سنت شریف
۱۹۴	 بیان فخر رازی اشعری مذهب
۱۹۵	 نکته مهم و قابل تأمل
۱۹۶	 حلیت ازدواج موقت نزد صحابه پیامبر ﷺ
۱۹۶	 ابن عبدالبر کیست؟
۱۹۷	 ابن جریج کیست؟
۱۹۹	 کلام ابن حجر عسقلانی
۱۹۹	 نگاهی گذرا به دیدگاه قاضی
۲۰۰	 اشکال و جواب
۲۰۱	 گفتگوی ابن عباس و عروه
۲۰۲	 عروه کیست؟
۲۰۴	 عدم اجرای حدّ درباره زناکار
۲۰۴	 پرسش
۲۰۵	 درس سیزدهم: ازدواج عمر با ام کلثوم
۲۰۵	 چند نکته قابل توجه
۲۱۰	 نتیجه بحث
۲۱۰	 بیان مرحوم مجلسی
۲۱۱	 پرسش
۲۱۳	 درس چهاردهم: توحید در عبادت
۲۱۴	 تفسیر عبادت
۲۱۴	 ۱. عبادت به معنی خضوع و تذلل
۲۱۵	 ۲. عبادت به معنای نهایت خضوع و سجده
۲۱۵	 معنی صحیح عبادت
۲۱۶	 نکته مهم
۲۱۶	 تعریفی دیگر برای عبادت

- ۲۱۷..... نتیجه
- ۲۱۸..... سخنی با وهابیون
- ۲۱۸..... فهم نادرست سه واژه.....
- ۲۱۸..... پرسش.....
- ۲۱۹..... درس پانزدهم: جمع بین دو نماز.....
- ۲۱۹..... جمع اختیاری بین دو نماز در حضر.....
- ۲۱۹..... گفتار شیخ طوسی.....
- ۲۲۱..... احادیث.....
- ۲۲۲..... روایات اهل سنت.....
- ۲۲۴..... نتیجه.....
- ۲۲۴..... توجیها ت بی اساس.....
- ۲۲۶..... پرسش.....
- ۲۲۷..... درس شانزدهم: نماز تراویح.....
- ۲۲۸..... روایت بخاری.....
- ۲۲۸..... دیدگاه شارحین بخاری.....
- ۲۲۹..... أقسام بدعت.....
- ۲۳۰..... نماز تراویح در عصر پیامبر ﷺ نبود.....
- ۲۳۱..... دیدگاه ابن تیمیه و رد آن.....
- ۲۳۲..... پرسش؟.....
- ۲۳۳..... درس هفدهم: جواز گریستن و عزاداری برای سیدالشهداء ﷺ.....
- ۲۳۴..... گریستن پیامبر اکرم ﷺ بر فرزندش.....
- ۲۳۴..... کلام حلبی.....
- ۲۳۵..... گریه بر حمزه سیدالشهداء.....
- ۲۳۵..... گریستن بر ابا عبدالله الحسین ﷺ.....
- ۲۳۶..... برپایی مراسم عزاء و گریستن بر ابا عبدالله الحسین ﷺ.....

۲۳۷	گریستن اُمّ سلمه بر حسین علیه السلام
۲۳۸	به کار بردن طبل در عزای ابن خلف.....
۲۳۹	پرسش.....
۲۴۱	درس هجدهم: جواز لعن یزید در کتاب و سنت.....
۲۴۵	گفتار امام احمد بن حنبل.....
۲۴۷	دیدگاه ذهبی.....
۲۴۷	لعن یزید در روایات.....
۲۴۸	یزید و واقعه حرّه.....
۲۴۹	قاضی ابی یعلی کیست؟.....
۲۵۱	گفتار سیوطی.....
۲۵۳	نتیجه بحث.....
۲۵۳	کفر یزید.....
۲۵۴	یزید مرتکب محرمات الهی و تغییر دهنده سنت نبوی.....
۲۵۵	یزید از دیدگاه صحابه و تابعین.....
۲۵۷	سؤال از ذهبی.....
۲۵۷	مقصر اصلی کیست؟.....
۲۵۹	لعنت کنندگان یزید.....
۲۶۰	کلام ابو الفرج.....
۲۶۲	شخصیت ابو الفرج.....
۲۶۲	جرائم بزرگ یزید.....
۲۶۲	آدله قتل امام توسط یزید.....
۲۶۵	نتیجه بحث.....
۲۶۵	اعتراف فرزندی یزید به جنایت پدر و جدش.....
۲۶۷	سر مقدس اباعبدالله الحسین علیه السلام نزد یزید.....
۲۶۸	شواهد بحث.....

۲۶۹	واقعه حرّه.....
۲۷۰	نتیجه بحث.....
۲۷۰	پرسش.....
۲۷۱	درس نوزدهم: تحریف قرآن.....
۲۷۱	تحریف در لغت.....
۲۷۱	اقسام تحریف.....
۲۷۶	عقیده شیعه امامیه.....
۲۷۶	دیدگاه علماء شیعه.....
۲۷۸	دیدگاه مرحوم فاضل لنکرانی.....
۲۷۸	تفکیک بین اقوال و روایات.....
۲۷۹	بررسی روایاتی که دلالت بر نقصان دارند.....
۲۷۹	۱. حمل بر اختلاف قرائات.....
۲۷۹	۲. آنچه به عنوانی غیر از قرآن، نازل شده.....
۲۷۹	۳. روایاتی که می‌توان آنها را بر نسخ تلاوت، حمل کرد.....
۲۸۰	بحث سندی.....
۲۸۱	کتاب فصل الخطاب.....
۲۸۱	دیدگاه علماء در مورد کتاب فصل الخطاب.....
۲۸۲	تحریف نزد اهل سنت.....
۲۸۲	شخصیت ابن حزم.....
۲۸۳	بخاری و تحریف.....
۲۸۴	توجیه به نسخ تلاوت.....
۲۸۶	تصریح حاکم و ذهبی به تحریف قرآن.....
۲۸۷	ادله عدم تحریف قرآن.....
۲۸۹	تحریف و سنت نبوی.....
۲۹۰	شبّهات.....

۲۹۱	 روایات کتاب فصل الخطاب
۲۹۲	 نتیجه بحث
۲۹۲	 پرسش
۲۹۳	 درس بیستم: اقامه نماز و دعا نزد قبور اولیاء
۲۹۴	 گفتار زمخشری
۲۹۶	 دلیل و هابیت بر حرمت
۲۹۶	 روشن کردن چراغ در محل قبور
۲۹۷	 پرسش
۲۹۹	 درس بیست و یکم: استعانت از روح اولیاء خدا
۳۰۰	 آیا ارتباط با عالم ارواح ممکن است؟
۳۰۲	 پرسش
۳۰۳	 درس بیست و دوم: شفاعت
۳۰۳	 حقیقت شفاعت
۳۰۴	 استناد و هابیون به شرک بودن شفاعت
۳۰۴	 پاسخ به استدلال و هابیون
۳۰۵	 شفاعت در قرآن
۳۰۶	 روایات شفاعت
۳۰۶	 نتیجه گیری
۳۰۶	 سؤال: آیا اعتقاد به شفاعت موجب عصیان نمی شود؟
۳۰۷	 شفاعت شفاعت کنندگان
۳۰۸	 پرسش
۳۰۹	 درس بیست و سوم: نذر برای اهل قبور
۳۰۹	 معنای نذر
۳۱۰	 دیدگاه خالدی
۳۱۲	 پرسش

۳۱۳.....	درس بيست و چهارم: ولادت امام زمان عليه السلام
۳۱۳.....	ديدگاه اهل سنت
۳۱۷.....	ديدگاه ذهبي در مورد ولادت حضرت
۳۱۸.....	ابن حزم كيست؟
۳۲۱.....	روايت صدوق.....
۳۲۲.....	كلام شيخ طوسي
۳۲۲.....	تأملتي در ديدگاه سبكي
۳۲۳.....	محل ظهور امام مهدي عليه السلام كجاست؟
۳۲۵.....	پرسش.....
۳۲۷.....	درس بيست و پنجم: احترام و تجليل از اولياء خدا
۳۲۸.....	احترام از ديدگاه قرآن.....
۳۲۹.....	پرسش.....
۳۳۱.....	درس بيست و ششم: رجعت نزد مسلمين
۳۳۳.....	رجعت در اصطلاح.....
۳۳۵.....	نتيجه بحث.....
۳۳۵.....	ادله رجعت نزد شيعه.....
۳۳۵.....	ديدگاه شيخ طوسي و طبرسي
۳۳۶.....	اشكال و پاسخ آن.....
۳۳۷.....	بيان علامه مجلسي.....
۳۳۸.....	پرسش.....
۳۳۹.....	كتابنامه.....

پیش‌گفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

فقه مقارن یا علم خلاف، یکی از گرایش‌های علم فقه است که به تخصصی برتر از علم فقه نیازمند است. تسلط بر اصول، مبانی و منابع فقه که از آن به «فقه اجتهادی» یا «فقه مذهبی» تعبیر می‌شود، مرتبه بالایی است که به انسان توانایی می‌دهد تا احکام شرعی فرعی را بر طبق مذهب خاصی از راه ادله تفصیلی بشناسد. ولی رتبه بالاتر را کسی تصدی می‌کند که علاوه بر کسب این ملکه و تسلط بر مذهب خویش، آراء و ادله مذاهب دیگر را نیز بشناسد و بتواند با موازنه بین آن‌ها، رأی برتر و قول صحیح را برگزیند و با ادله‌ای که صحیح و مبراً از نقض می‌داند قول صحیح را اثبات کند. این مرتبه از تخصص بدون آگاهی از اصول و مبانی و منابع فقهی مخالفان حاصل نمی‌گردد.

فقه‌های شیعه از قرن چهارم هجری به خلاف‌نویسی توجه نمودند. شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ق) نخستین کسی است که در بین فقه‌های شیعه برای نوشتن کتاب «الإعلام بما اتفقت علیه الإمامية من الأحكام» در این علم قلم به دست گرفت. او خود در مقدمه کتابش چنین نگاشته است:

اکنون من احکام فقهی مورد اتفاق امامیه و مسائل اتفاقی اهل سنت یا برخی از فرقه‌های آنان را که با رأی امامیه مخالف است در این جا گردآورده‌ام تا به اول کتاب «أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات» افزوده شود و کسی پیش از من

این کار را انجام نداده است. (مفید، ۱۴۱۴ ق، ج ۹، ص ۹).

پس از شیخ مفید شاگردش سید مرتضی با دو کتاب «الانتصار» و «الناصریات» راه استاد خویش را ادامه داد. او در کتاب الانتصار مسائل انفرادی امامیه و مسائلی را که به اشتباه جزو منفردات امامیه برشمرده شده است را گردآوری و بر صحت رأی شیعه در آن‌ها استدلال کرده و در سائر مسائل علاوه بر استدلال، موافقان امامیه را برشمرده است.

در ناصریات نیز که آنرا در شرح فتاوی جدّ مادری خود معروف به «ناصر» نگاشته است، علاوه بر فتاوی اهل سنت، پاره‌ای از فتاوی زیدیه نیز آمده است. در این کتاب سید مرتضی کامل‌ترین شیوه فقه مقارن را تا زمان خویش بکار گرفته است؛ به این معنی که برای اثبات نظریات خویش به ادله‌ای که مورد قبول مخالفان است استدلال کرده است.

پس از سید مرتضی، شیخ طوسی در اوئل قرن ۵ هجری با نوشتن کتاب «الخلاف» مفصل‌ترین کتاب خلافی شیعه را پدید آورد. در ادامه کار شیخ، علامه حلی (م ۷۲۶ ق) کتاب «تذکره الفقهاء» را نوشت.

امین الإسلام فضل بن حسن طبرسی در نیمه اول قرن ششم هجری «المؤتلف من المختلف بین ائمه السلف» را تألیف نمود. شیخ مفلاح بن حسن صیمری در قرن نهم دو کتاب «تلخیص الخلاف» و «خلاصة الاختلاف» را به رشته تحریر در آورد که هر دو خلاصه کتاب شیخ طوسی است.

در قرن حاضر سید عبدالحسین شرف الدین - فقیه مقارن نویسنده - به شیوه سید مرتضی به نقد و ارزش‌گذاری ادله و مستندات مذاهب می‌پردازد. پس از او محمدجواد مغنیه - از عالمان به نام لبنان - کتاب «الفقه علی المذاهب الخمسة» را به طور خلاصه و بدون هرگونه استدلالی برای استفاده عموم نوشت. اخیراً سید محمد غروی و شیخ یاسر مازح با افزودن رأی مذهب اهل بیت علیهم‌السلام به کتاب «الفقه علی المذاهب الأربعة» تألیف عبدالرحمن جزیری کار او را کامل کردند. آخرین کتابی که در باب فقه مقارن توسط علمای امامیه به رشته تحریر آمده کتاب «الفقه

المقارن» تألیف شیخ محمد ابراهیم جناتی در دوازده جلد است. (محمدرضا جباریان، ۱۳۹۱ش)

از جمله کتاب‌هایی که به طور اختصار جهت تبیین مسائل خلافتی و ردّ انظار کلامی و فقهی اهل سنت و اثبات نظریه‌های شیعه به رشته تحریر درآمده، کتاب گران‌سنگ محقق ارجمند و استاد فرهیخته حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای حاج شیخ جعفر طبسی (دامت توفیقاته) است که تحت عنوان «درسنامه مسائل خلافتی» در مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم‌السلام تحت اشراف مرکز فقهی ائمه اطهار (سلام الله علیهم اجمعین) توسط ایشان چندین بار تدریس شده و به حمد الله اکنون تحت همین نام توسط مرکز به زیور طبع آراسته گردیده است.

ضمن تشکر از زحمات فراوان مؤلف محترم این اثر، از حمایت‌های بی‌دریغ مادی و معنوی ریاست محترم مرکز جهانی فقه ائمه اطهار علیهم‌السلام حضرت آیت‌الله آقای حاج شیخ محمد جواد فاضل لنکرانی دامت برکاته سپاس‌گزاری می‌نماییم. خداوندا روح ملکوتی امام راحل علیه‌السلام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و تبیین‌کننده اسلام راستین و ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و همچنین روح مطهر بیان‌گذار مرکز عظیم فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام مرجع فقید جهان تشیع حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی رحمته‌الله را با اولیایشان محشور و سایه پربرکت مقام معظم رهبری را بر سر مسلمین جهان مستدام فرما! آمین یا رب العالمین!

مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم‌السلام

حسین حبیبی تبار

نهم ربیع الأول ۱۴۴۰ق

مقدمه مؤلف

پیشینه وهابیت

برای آشنایی با پیشینه فکری وهابیت لازم است افکار و آرای «ابن تیمیه» را مورد بررسی قرار دهیم. بدون تردید «محمد بن عبد الوهاب»، رهبر وهابیت، تمام افکار و اندیشه‌های خود را از ابن تیمیه گرفته است. احمد بن عبدالحلیم بن عبدالسلام بن تیمیه حرّانی^۱ در سال ۶۶۱ق در حرّان^۲ متولد شد و در سال ۷۲۸ق در زندان دمشق از دنیا رفت.^۳ پدر او روحانی حنبلی مذهب بود که در عقاید و فقه از مذهب «احمد بن حنبل» پیروی می‌کرد، از این جهت فرزند خود را به مدارس «حنابله» فرستاد تا فقه حنبلی را فراگیرد.

او در مدرسه حنابله در شام نزد پدرش عبدالحلیم و شمس‌الدین و ابن‌ابی‌بکر یهودی تلمذ کرد و اکثر اساتیدش حنبلی مذهب به شمار می‌روند. وی در بیست

۱. تقریباً همه کتابهای تراجم، رجال و تاریخ که شرح حال «ابن تیمیه» را ذکر کرده‌اند، او را «حرّانی» لقب داده‌اند، اما عموم لغت‌نویسان عرب می‌گویند: در نسبت به «حرّان»، حرّانی گفته نمی‌شود؛ بلکه به لحاظ قیاسی باید «حرّانی» گفته شود، همان‌طور که به لحاظ قیاسی در نسبت به «مانی» باید «مانّی» گفته شود؛ ولی غالباً «مانوی» گفته می‌شود. (القاموس المحیط، ج ۲، ص ۱۵۶۳؛ منتهی الإرباب، ج ۱، ص ۲۴۱؛ الصحاح، ج ۵، ص ۲۰۹۸؛ لسان العرب، ج ۱۳، ص ۱۱۱)

۲. شهری است بین موصل و شام. (معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۳۵)

۳. فوات الوفيات، ج ۱، ص ۷۵، ریحانة الادب، ج ۷، ص ۴۳۴ شیخ عباس قمی می‌گوید: او در زندان مراکش از دنیا رفت. (الکنی والألقاب، ج ۲، ص ۲۳۷)

سالگی پدرش را از دست داد و به جای پدر عهده‌دار تدریس شد. ابن تیمیه تا سال ۶۹۸ هجری در شام به صورت یک روحانی حنبلی زندگی می‌کرد؛ و تا آن سال از او انحرافی نسبت به عقاید حنبلی سر نزده بود. ولی وقتی رساله‌ای به نام «الرسالة الحمویة» نوشت، آثار انحراف در او ظاهر شد. وی این رساله را در پاسخ پرسش مردم «حماة»^۱ که یکی از شهرهای سوریه است، نوشت و آشکار برای خدا، «جهت» و «سمت» قائل شد. و تلویحا او را جسم دانست و وقتی مردم حماة از او درباره آیه «الرحمن علی العرش استوی» سؤال کردند، وی در پاسخ از منبر یک پله پایین آمد و گفت: «خدا در روز قیامت به همین صورت از آسمان پایین می‌آید».^۲

این نگرش در واقع التزام و اعتقاد به جسمانیت و امکان رؤیت خداوند متعال است.

دشمنی ابن تیمیه با اهل بیت پاک پیامبر اکرم ﷺ بر احدی پوشیده نیست. در اینجا به برخی از کینه‌ورزی‌های او اشاره می‌کنیم:

۱. ابن تیمیه می‌گوید: «رافضی‌ها از اثبات ایمان علی علیه السلام و عدالت وی عاجزند» این گفته بیانگر عمق دشمنی و عداوت او با امیرالمؤمنین علیه السلام است.
۲. وی معتقد است: «حدیث «أنا مدینه العلم وعلی بابها» دروغ است» در حالی که برخی از بزرگان اهل سنت از قبیل یحیی بن معین آن را صحیح می‌دانند. قاسم می‌گوید: از یحیی بن معین درباره حدیث «أنا مدینه العلم...» سوال کردم گفت: صحیح است.^۳
۳. وی می‌گوید: «امیرالمؤمنین از دنیا رفت در حالی که عالم به بسیاری از سنت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله نبود» این در حالی است که هیچ‌یک از صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۱. شهر «حماة» در صدوپنجاه کیلومتری دمشق قرار گرفته است.

۲. «إن الله ينزل إلى سماء الدنيا کنزولی هذا». هذا ما یحکیه الرحالة الطائر الصیت ابن بطوطه. (رحلة ابن بطوطه، ص ۹۵ - ۹۶)

۳. جمال الدین یوسف مزی، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ج ۱۸، ص ۷۷.

به اندازه امیرالمؤمنین علیه السلام به سنت آن حضرت توجه نداشت. ابن حجر هیتمی مکی شافعی مذهب از عایشه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل می‌کند: «إِنَّهُ أَعْلَمُ مِنْ بَقِيٍّ بِالسُّنَّةِ»^۱.

۴. او معتقد است: «سوره «هل أتى» درباره اهل بیت علیهم السلام نازل نشده است» در حالی که اکثر قریب به اتفاق مفسرین شأن نزول آیه شریفه را اهل بیت علیهم السلام می‌دانند.^۲

۵. می‌گوید: «بنی‌امیه بر تمام سرزمین‌های اسلامی حاکمیت پیدا کردند و دولت اسلامی در زمان آنان عزیز بود» اما از امامان دوازده‌گانه اهل بیت چه عزتی برای اسلام سراغ داریم؟!^۳

۶. وی حدیث «عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ» را دروغ می‌پنداشت و معتقد بود فقط پیامبر دایر مدار حق است و می‌گفت: «اگر حق همواره با علی و علی همواره با حق باشد، واجب است که علی مانند پیامبر معصوم باشد».^۴

در ارتباط با عقاید سخیف اخیر وی باید گفت: هیتمی با سه سند این حدیث را نقل کرده که یکی را صحیح دانسته است.^۵

این حدیث را ۲۵ نفر از صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند. ابن جوزی می‌گوید: علما اختلاف ندارند که علی با هر کس که جنگید حق همراه علی بود؛ چون رسول خدا فرمود: خداوندا حق را همراه علی بگردان هرگونه که علی می‌گردد.^۶

بنابراین حدیث صحیح است و ابن تیمیه ملزم است که عصمت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را بپذیرد، هرچند که تعصب، مانع از پذیرش وی است.

۱. ابن حجر الهیتمی، الصواعق المحرقة، ص ۱۵۴.

۲. ر.ک: طبرانی، التفسیر الکبیر، ج ۶، ص ۴۰۴، شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۲۱۱.

موفق بن احمد خوارزمی، مناقب الإمام امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۲۷۲.

۳. ابن تیمیه حرانی، منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة والقدریة، ج ۸، ص ۲۳۸ و ۲۴۲.

۴. همان، ج ۴، ص ۲۴۱.

۵. الهیتمی، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ۹، ص ۱۳۴.

۶. ابن جوزی، صید الخاطر، ج ۱، ص ۱۲۹.

۷. می‌گوید: حدیث «من كنت مولاه فهذا عليٌّ مولاه» صحیح نیست.

در حالی که یکی از احادیث صحیح و متواتر نزد همه اهل سنت، حدیث شریف غدیر است که ابن تیمیه در صحت آن تردید کرده و گفته است: علما در صحت آن اختلاف کرده‌اند و افرادی چون بخاری و ابراهیم حرانی آن را رد کرده‌اند.^۱ چرا انسان باید این مقدار حقدو کینه و تعصب داشته باشد؟! و حدیثی را رد کند که یکصد و ده نفر از صحابه رسول خدا ﷺ آن را روایت کرده‌اند^۲ و ذهبی درباره آن می‌گوید: «أَتَيْتَنِي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ».^۳

وی به بخاری نسبت می‌دهد که حدیث غدیر را در صحیحش نیاورده، گویا بخاری ملتزم شده تمام احادیث صحیح را در کتابش بیاورد. در حالی که خودش می‌گوید: «وما تركت من الصحيح أكثر».^۴

۸. امیرالمؤمنین علیه السلام نزد ابن تیمیه دنیا طلب بود.

وی در ارزیابی خود از جنگ‌های داخلی امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیه تصریح می‌کند که جنگ‌های آن حضرت براساس دنیا طلبی بود و می‌گوید: علت جنگ‌های علی این بود که جان و مال مردم در اختیار او قرار گیرد و ایشان بتواند در آن‌ها تصرف کند. با این وجود چگونه جنگ‌های او را به خاطر دین قلمداد می‌کنند.^۵

۱. منهاج السنة النبوية في نقض كلام الشيعة والقدرية، ج ۷، ص ۱۲۰. وی می‌گوید: «وأما قوله: من كنت مولاه فعليٌّ مولاه» فليس هو في الصحاح لكن هو مما رواه العلماء و تنازع الناس في صحته، فنقل عن البخاري و ابراهيم الحربي وطائفة من أهل العلم بالحديث إنهم طعنوا فيه و ضعفوه...».

۲. علامه امینی بعد از نقل اسامی ۱۱۰ نفر از صحابه می‌گوید: «هؤلاء مئة و عشرة من أعظم الصحابة الذين وجدنا روايتهم لحديث الغدير، و لعل فيما ذهب علينا أكثر من ذلك بكثير، و طبع الحال يستدعي أن تكون رواة الحديث أضعاف المذكورين؛ لأن السامعين الوعاة له كانوا مئة ألف أو يزيدون، و بقضاء الطبيعة أنهم حدثوا به عند مرجعهم إلى أوطانهم، شأن كل مسافر ينبي عن الأحداث الغريبة التي شاهدها في سفره.» (علامه امینی، الغدير في الكتاب والسنة والأدب، ج ۱، ص ۱۴۴)

۳. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۴۱۵ و ج ۸، ص ۳۳۵.

۴. ابن حجر العسقلانی، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، ج ۱، ص ۵.

۵. ابن تیمیه، منهاج السنة، ج ۴، ص ۵۶۹. «وعليٌّ يقاتل ليطاع و يتصرف في النفوس و الأموال، فكيف يجعل هذا قتالا على الدين».

ابن تیمیه بر این باور است که جنگ جمل و صفین به تشخیص خود آن حضرت بوده و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره نصی وارد نشده است^۱ در حالی که حاکم نیشابوری به سندی از ابو ایوب انصاری نقل می کند که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: با ناکثین (عهدشکنان) و قاسطین (متجاوزان) و مارقین (خوارج) پیکار می کنی.^۲

عبدالقاهر جرجانی می گوید: تمام فقهای حجاز و عراق از هر دو گروه حدیث و رأی (ناقلان حدیث و فتوادهندگان) از جمله مالک، شافعی، أبوحنیفه، اوزاعی و بخش اعظم از متکلمان و مسلمانان بر این باورند که حضرت علی علیه السلام در جنگ با اهل صفین و جمل درست عمل کرده است و تمامی افرادی که با آن حضرت جنگیدند ظالم و متجاوزند.^۳

از دیدگاه ابن تیمیه، همه احادیث و روایاتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره شخصیت و فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام وارده شده، صحیح نیست که نگرش نشانگر کینه توزی و دشمنی این فرد با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد.

محمد بن محمد جزری شافعی (ت ۸۳۳) در *أسنى المطالب* می گوید: حدیث «من كنت مولاه فهذا علي مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه» از وجوه زیاد صحیح است و این حدیث به نقل از امیرالمؤمنین علی علیه السلام و نیز از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله متواتر بوده و در منابع روایی متعددی نقل شده است. و به تضعیف کنندگان آن، اعتنا نمی شود.^۴

۱. همان، ج ۳، ص ۷۱۵: «وأما قتال الجمل و صفین فقد ذكر علي عليه السلام أنه لم يكن معه نص من النبي صلی الله علیه و آله وإنما كان رأياً...» (نجم الدین طبری، شناخت و هابیت، ص ۱۸۸)

۲. حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۰۷.

۳. المناوی، فیض القدیر فیما يتعلق بحدیث الغدير، ج ۶ ص ۴۷۷. «قال عبد القاهر الجرجانی فی کتاب الإمامة: أجمع فقهاء الحجاز و العراق من فریق الحدیث و الرأی منهم مالک و الشافعی و أبوحنیفه و الأوزاعی و الجمهور الأعظم من المتکلمین و المسلمین أن علیاً مصیب فی قتاله لأهل صفین كما هو مصیب فی أهل الجمل وأن الذین قاتلوه بغاة ظالمون له».

۴. محمد بن محمد جزری، *أسنى المطالب*، ص ۴۸. «هذا حدیث حسن من هذا الوجه، صحیح من وجوه كثيرة تواتر عن أمير المؤمنين علیه السلام و هو متواتر أيضاً عن النبي صلی الله علیه و آله، رواه الجم الغفیر عن الجم الغفیر، ولا عبرة بمن حاول تضعیفه ممن لا إطلاع له فی هذا العلم».

ابن تیمیه و دشمنان امیر المؤمنین علیه السلام

ابن تیمیه ناصبی نه تنها با امیر المؤمنین علیه السلام و اهل بیت پاک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دشمنی و خصومت شدید می‌ورزید، بلکه با دشمنان آن بزرگواران نیز همصدا و موافق بود، شواهد زیر گویای این مدعا است.

۱. او درباره قاتل امیر المؤمنین علی علیه السلام که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از او به عنوان «أشقی الآخِرین» یاد کردند^۱ این گونه تعبیر می‌کند: کسی که علی را کشت نماز می‌خواند، روزه می‌گرفت و قرآن می‌خواند، او علی را با این عقیده به قتل رساند که خدا و رسولش کشتن علی را دوست می‌داشتند و او این کار را به گمان خودش به خاطر محبتی که به خدا و رسولش داشت انجام داد گرچه در عقیده‌اش گمراه بود.^۲

و نیز درباره ابن ملجم مرادی خارجی می‌گوید: او از عابدترین مردم بود.^۳

۲. در مورد خوارج نهروان می‌گوید: خوارج از جهت دینداری دینشان کامل‌تر بوده و آنها راستگو بوده و دروغ نمی‌گفتند.^۴

و نیز می‌گوید: خوارج از رافضه راستگوتر و دیندارتر و پرهیزگارتر هستند. این

در حالی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خوارج به «کلاب اهل النار» تعبیر نموده‌اند.^۵

۳. در مورد یزید بن معاویه بن ابی سفیان می‌گوید: یزید به کشتن حسین امر

نکرد^۶ و نیز درباره واقعه حرّه می‌گوید: یزید همه بزرگان مدینه را نکشت.^۷

این در حالی است که نصوص متعدد خلاف گفتار ابن تیمیه را اثبات می‌کند.^۸

۱. مسند أحمد، ج ۲، ص ۳۲۵، ابویعلی الموصلی، مسند ابی یعلی، ج ۱، ص ۳۷۷.

۲. ابن تیمیه، منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعة والقدریة، ج ۷، ص ۱۵۳.

۳. ابن تیمیه، همان، ج ۵، ص ۴۷.

۴. ابن تیمیه، همان، ج ۶، ص ۳۴۴.

۵. الحافظ ابوبکر بن ابی شیبہ، مصنف ابن ابی شیبہ، ج ۸، ص ۷۳۱.

۶. منهاج السنه، ج ۴، ص ۴۷۲. متأسفانه امروز هم برخی از خودفروختگان درگوشه و کنار به این نظریه باطل دامن می‌زنند.

۷. همان، ج ۴، ص ۵۷۵.

۸. مسند احمد بن حنبل، ج ۱ ح ۱۲۹۷؛ مجمع الزوائد، ج ۳، ص ۶۵۸.

از مسلمات تاریخ که حتی ابن تیمیّه هم به آن اعتراف کرده^۱ این است که یزید نه تنها اهل مدینه را ترسانید، بلکه بزرگان آن را به فجیع ترین شکل به قتل رسانده و سه روز در مدینه منوره همه چیز را برای لشکریانش مباح کرد. او پس از شهادت حضرت سیدالشهدا^{علیه السلام} به مدینه یورش برد که در این یورش به هزاران زن تجاوز شد و هزاران کودک به دنیا آمدند که پدرانشان معلوم نبود.^۲

کوچه های شهر مدینه از کشته ها پر شده بود و خون تا مسجد پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} بر زمین ریخته شده بود.^۳

ابن قتیبّه (ت ۲۷۶) می گوید: در روز حرّه از اصحاب پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} هشتاد نفر کشته شدند و پس از آن دیگر صحابی بدری باقی نماند؛ از قریش و انصار هفتصد نفر و از دیگر مردم از غلامان عرب و تابعین ده هزار نفر کشته شدند.^۴ در رابطه با شهادت سالار شهیدان به دست پلید یزید بن معاویه بن ابی سفیان، سخنان ذهبی برای رد گفته ابن تیمیّه کافی است. او می گوید: یزید ناصبی بود و شراب می خورد و کارهای زشت انجام می داد و دولت خود را به کشتن شهید (امام) حسین آغاز کرد و پایان دولتش با واقعه حرّه بود.....^۵

پس از شناخت خط فکری ابن تیمیّه، جا دارد درباره کسی که ابن تیمیّه از او پیروی می کند، یعنی احمد بن حنبل نیز آشنایی اجمالی پیدا کنیم چراکه عقاید و افکار ابن تیمیّه ریشه در افکار احمد بن حنبل دارد.

نسل احمد بن حنبل

وی احمد بن محمد بن حنبل و کنیه اش أبو عبد الله است. اصل و تبارش عرب

۱. ابن تیمیّه حرّانی، منهاج السنّة النبویة فی نقض کلام الشیعه والقدریة، ج ۴، ص ۵۴۶.
۲. ابن قتیبّه، الإمامة و السياسة، ج ۲، ص ۱۰؛ مطهر بن طاهر المقدسی، البدء و التاریخ، ج ۶، ص ۱۴؛ جلال الدین سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۲۰۹.
۳. ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۱۱۳.
۴. ابن قتیبّه، الإمامة و السياسة، ج ۱، ص ۲۱۶؛ ابن کثیر، البداية و النهایة، ج ۸، ص ۲۴۲.
۵. محمد بن احمد بن عثمان الذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۷ - ۳۸. «وكان ناصبياً، فظلاً، غليظاً، جلفاً، يتناول المسكر و يفعل المنكر، افتتح دولته بمقتل الشهيد الحسين واختتمها بواقعة الحرة».

است اما در نسب او اختلاف وجود دارد، برخی أحمد را از قبیله بنی ذهل دانسته و برخی دیگر او را از طایفه بنی شیبان می‌دانند. نکته جالب در زندگی احمد بن حنبل این است که با وجود اینکه تبارش عرب است، هرگز به عرب بودنش افتخار نکرد.^۱

خانواده أحمد به همراه جد پدری ساکن خراسان و در خدمت حکومت بنی العباس بوده‌اند.

حنبل بن هلال جد پدری أحمد بن حنبل فرماندار سرخس بود که به خاطر دعوت به فتنه و آشوب و قصد کودتای نظامی در آنجا توسط حکومت مرکزی دستگیر شد و در بخارا شلاق خورد.^۲

سفرهای علمی

وی در سن ۱۵ سالگی به شهرهای کوفه، بصره، مکه، مدینه، حران، حمص، حلب، بغداد، فارس، خراسان، یمن و فلسطین سفر کرده و در آخر بغداد را پایگاه علمی خود قرار داد.

با توجه به موقعیت شام، حمص و بصره که اکثراً ناصبی و دشمن امیرالمؤمنین (ع) بودند، نقل روایات فراوان از آنان بوسیله أحمد بن حنبل قابل تأمل است. بخاری، مسلم، ابوداود و صاحبان صحاح سته از احمد بن حنبل، با واسطه احادیثی نقل کرده‌اند. از آثار به جای مانده از أحمد، کتابی در فقه است^۳ که بر عدم فقهات وی دلالت دارد.

اوضاع سیاسی

أحمد بن حنبل پنج تن از خلفای عباسی یعنی هارون، مأمون، معتصم، واثق و متوکل سفاک را درک کرد.

۱. علی‌زاده موسوی، در سنامه وهابیت، ص ۲۵.

۲. سیر أعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۱۸۴.

۳. نجم الدین طبری، شناخت وهابیت، ص ۴۳.

اوضاع سیاسی و اجتماعی أحمد بن حنبل را می‌توان به پیش و پس از متوکل تقسیم کرد، دوران پیش از متوکل، دوران محنت نام داشت، بنی عباس در زمان هارون و بویژه در زمان مأمون عباسی کتابهای فلسفی و عرفانی را از یونان و هند به عربی ترجمه کرده و وارد جامعه اسلامی کردند و این دوران مقارن بود با طرح مباحث جنجالی خلق و قدّم قرآن. حکومت وقت، طرفدار خلق قرآن بود اما أحمد به قدّم قرآن اعتقاد داشت و مردم را به این دیدگاه باطل دعوت می‌کرد. اما در دوران متوکل، اوضاع به نفع أحمد بن حنبل مساعد شد و متوکل عباسی علاوه بر رفع ممنوعیت از احمد او را بسیار احترام می‌کرد و نقطه نظرات او را فصل الخطاب جامعه اسلامی می‌شمرد.

متوکل عباسی آرا و افکار احمد را به عنوان معیار برای تمییز مسلمان از غیر مسلمان و بدعت از غیر بدعت، پذیرفته بود و حتی برخی بر این باور بودند که متوکل بدون مشورت با احمد بن حنبل هیچ عزل و نصبی انجام نمی‌دهد. این نکته بیانگر تقرّب امام حنبلی‌ها به درگاه ملوک و پادشاهان عباسی است. و می‌توان گفت: سازماندهی فرق و مذاهب اهل حدیث و مبانی آنها توسط احمد بن حنبل در دوران متوکل عباسی صورت گرفت، از این رو به احمد بن حنبل پیشوای اهل حدیث می‌گویند.^۱

تفکرات أحمد بن حنبل

وی موضع روشنی در برابر امیرالمؤمنین علی علیه السلام ندارد. موضع او در برابر امیرالمؤمنین علیه السلام دوگونه است، از طرفی در کتاب «فضائل الصحابه» روایاتی را در فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام ذکر می‌کند که خیلی مهم و قابل توجه است، به عنوان نمونه در جایی می‌گوید: همانا خلافت زینت برای علی علیه السلام نبود بلکه علی علیه السلام به خلافت زینت بخشید و از وی نقل شده که: «لم یزل علیّ مع الحق و الحق معه

۱. نجم‌الدین طبری، درسنامه نقد و هابیت، ص ۲۶.

«حيث كان»^۱، اما از طرف ديگر اين سؤال مطرح است كه اگر اين عقايد را قبول داشته چرا از اميرالمؤمنين عليه السلام پيروي نكرده است؟

مواضع أحمد بن حنبل در برابر دشمنان پیامبر صلى الله عليه وآله و اهل بيت عليهم السلام

۱. دفاع از معاويه

أحمد می گوید: کسی كه اعتقادی به ترخم بر معاویه نداشته باشد و آنرا جایز نداند گمراه و بدعت گذار است.^۲

۲. ستایش از طرفداران یزید

لَمَازَةُ بن زُبَّار بدون تردید از نواصب است. وی به اميرالمؤمنين عليه السلام اهانت می کرد و درباره شخصیت و فضائل یزید کتاب نوشته و یزید را ستایش کرده است. احمد بن حنبل از چنین فردی تجلیل و احترام می کند.^۳ ابن حجر در لسان المیزان می گوید: لَمَازَةُ بن زُبَّار ناصبی بوده و به اميرالمؤمنين عليه السلام اهانت و از یزید ستایش می کرده است.^۴ وی کسی است كه در جنگ جمل با اميرالمؤمنين عليه السلام جنگید.^۵

حرب بن اسماعیل می گوید: از احمد بن حنبل شنیدم كه گفت: أبولبید (كنیه لَمَازَةُ بن زُبَّار) حدیثش خوب است و او را به خوبی ستود.^۶

۱. حاكم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۴؛ طبرانی، معجم أوسط طبرانی، ج ۵، ص ۴۵۵؛ معجم الصغیر طبرانی، ج ۱، ص ۲۵۵؛ نورالدین هشی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۳، ص ۱۳۴؛ متقی هندی، كنز العمال، ج ۱۲، ص ۲۰۳؛ الیاس قاسم اف، ابن تیمیة امام سلفی ها، ص ۱۹، تاریخ ابن عساکر، ج ۲، ص ۴۱۹.

۲. عاملی، علی بن محمد بن یونس، الصراط المستقیم الی مستحقّی التقدیم، ج ۳، ص ۲۲۴. «من لا یری الترخم علی معاویه فهو ضالّ مبتدع».

۳. المزی، جمال الدین، تهذیب الکمال، ج ۲۴، ص ۲۵۱، ذهبی، میزان الإعتدال، ج ۳، ص ۴۱۹، طبسی، محمد جعفر، الإمام امیرالمؤمنین و مناوئوه ص ۲۲.

۴. ابن حجر العسقلانی، لسان المیزان، ج ۴، ص ۵۸۳. المزی، تهذیب الکمال، ج ۲۴، ص ۲۵۰، شماره ۵۰۱۳. «لَمَازَةُ بن زُبَّار أبو الولید، بصری، حضر وقعة الجمل و كان ناصبياً ينال من علی رضي الله عنه

و یمدح یزید».

۵. المزی، جمال الدین، تهذیب الکمال، ج ۲۴، ص ۲۵۱.

۶. همان

یکی از افرادی که مداوم به امیرالمؤمنین علیه السلام دشنام می داد «حریر بن عثمان حمصی دمشقی» است. وی هر روز ۱۴۰ مرتبه به ساحت مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام لعن می فرستاد و وقتی از وی در باره علت این کار سؤال شد در پاسخ گفت: علی کسی است که سر آباء و اجدادم را از بدن جدا کرده است.^۱

احمد بن حنبل درباره این فرد می گوید: ثقة، ثقة، ثقة و صحیح الحدیث. از یحیی بن صالح پرسیدند چرا از حریر حدیث نقل نمی کنی؟ گفت: چگونه از کسی حدیث نقل کنم که هفت سال با او نماز صبح خواندم در حالی که از مسجد خارج نمی شد مگر اینکه هفتاد بار علی علیه السلام را دشنام می داد.^۲

مواضع احمد حنبل نسبت به متوکل عباسی ناصبی

متوکل کیست؟

وی کسی است که بدترین اهانت ها را به اهل بیت علیهم السلام روا داشت از جمله:

۱. امام جواد علیه السلام را در حال روزه داری به خوردن شراب دعوت کرد.
۲. همیشه در مجالس عیش و نوش به امیرالمؤمنین علیه السلام اهانت می کرد و ایشان را مورد تمسخر قرار می داد..
۳. او کسی است که از زیارت قبر سید الشهداء علیه السلام جلوگیری نموده و قبر آن حضرت را تخریب کرد.

أبو الفرج می گوید: یکی از جنایات متوکل این بود که قبر شریف امام حسین علیه السلام را تخریب کرد و از بین برد و آن را به زمین زراعی مبدل ساخت.^۳

حمایت متوکل از احمد بن حنبل

متوکل کسی بود که احمد بن حنبل را از زندان آزاد کرد و در دورانی که بحث

۱. المزی، جمال الدین، تهذیب الکمال، ج ۵، ص ۵۷۶.

۲. وقال أبو عبيد الأجرى عن أبي داود: سألت أحمد بن حنبل عن حرير، فقال: ثقة، ثقة، ثقة. (تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۲۲۲ شماره ۱۲۳۸، کتاب المجروحین، ص ۲۶۸؛ الإمام أمير المؤمنين ومناوئوه، ص ۱۷ نوشته اینجانب).

۳. علی زاده موسوی، درسنامه نقد وهابیت، ص ۳۸ - ۳۹.

پردامنه «خلق قرآن» مطرح بود، به او لقب زنده‌کننده سنت و محوکننده بدعت داد و وی را مشاور عالی خود قرار داد.

ارادت احمد به متوکل

با وجود جنایات فجیع متوکل ناصبی نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام احمد بن حنبل هر روز برای متوکل دعا می‌کرد.^۱

نقل حدیث محدثان زیر نظر متوکل

خطیب بغدادی شافعی مذهب (ت ۴۶۳) در تاریخ بغداد می‌نویسد: در سال ۲۳۴ متوکل فقها و محدثین را به سامرا دعوت کرده و به آنان هدایایی داد و حقوق ماهیانه برای آنان معین و برای آنان کرسی تدریس مهیا کرد و در مقابل از آنان درخواست کرد احادیثی به نفع حکومت نقل کنند. آنان نیز احادیث رؤیت و جسمانیّت خدا را در ردّ معتزله جعل کردند.^۲

اکنون با توجه به اینکه متوکل بدون مشورت با احمد بن حنبل هیچ عزل و نصبی را انجام نمی‌داد آیا احمد را نمی‌توان در جنایات متوکل شریک دانست؟!^۳ تا اینجا به طور اجمال تفکرات احمد بن حنبل و ابن تیمیه تبیین شد. اکنون مناسب است که به طور مختصر عقاید و افکار وهابیت تکفیری نیز توضیح داده شود.

اساس آیین وهابیت را می‌توان در چند محور خلاصه کرد:

۱. دعوت به تجسیم خدا

وهابیها به تبعیت از ابن تیمیه با تمسک به ظاهر بعضی از آیات و روایات، برای خداوند متعال اعضا و جوارح قائل اند.

بنا به گفته آلوسی که از طرفداران سرسخت وهابیت به شمار می‌رود روز

۱. الذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۲۹۴: «ما یأتی علیّ یوم إلیّا و أنا أدعوا الله له».

۲. تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۶۷.

۳. رک: درسنامه نقد وهابیت، ص ۲۹.

قیامت خداوند به صحنه محشر می‌آید^۱ زیرا خود خداوند فرموده: «وَجَاءَ رَبِّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا»^۲.

ابن عبد الوهاب در کتاب «التوحید» روایتی را از ابن مسعود نقل می‌کند که یک دانشمند یهودی به حضور پیامبر ﷺ عرض کرد: ما در کتب خود دریافتیم که روز قیامت خداوند تمام آسمانها را بر یک انگشت، زمین‌ها را بر یک انگشت و درخت‌ها را بر یک انگشت، آنها را بر یک انگشت، خاک را بر یک انگشت و سایر مخلوقات را بر یک انگشت قرار می‌دهد، پیامبر ﷺ ضمن تصدیق گفته این یهودی خندید به طوری که دندان مبارکشان نمایان شد.^۳

در اینجا این سؤال مطرح است که این روایات مجعول و دروغین و اسرائیلیات از چه زمانی وارد مجامع حدیثی مسلمانان شده و چه کسی به آن دامن زده است؟

شهرستانی اشعری مذهب (ت ۵۴۸) تصریح می‌کند روایات تشبیه و تجسیم توسط یهودیان وارد روایات ما شده است.^۴ ابن کثیر نیز همین مطلب را در تفسیرش آورده و می‌گوید: منشأ این روایات جعلی، روایات کعب الأحبار یهودی است.^۵

اما مهمتر از همه اعتراف ابن خلدون (ت ۸۰۸) است که می‌گوید: عرب صدر اسلام بهره‌ای از نوشتن نداشته است و مطالب مربوط به آفرینش جهان و اسرار هستی را از عالمان یهود و اهل تورات و یا از نصاری همانند کعب می‌پرسیدند و تفاسیر اهل سنت مملو از گفته‌های یهود و نصاری است.^۶

۱. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۵، ص ۳۴۲ و ۳۴۳.

۲. فجر: ۲۲.

۳. التوحید، ص ۱۵۷.

۴. شهرستانی، الملل و النحل، ص ۹۷. «وزادوا فی الأخبار أكاذیب و ضعوها و نسبوها إلى النبی ﷺ وأكثرها مقتبسة من اليهود».

۵. تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۳۷۸ و ۳۷۹.

۶. تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۴۳۹.

۲. توسعه در معنای کفر و شرک

از دیگر عقاید انحرافی و منحط و هابیت متحجر، توسعه در معنای کفر و شرک است و هنوز هم وهابیه‌ها نتوانسته‌اند معنای صحیح و منطقی از توحید و شرک برای مسلمانان ارائه دهند، بر همین اساس، اعمال بسیاری از مسلمانان را که نه تنها جائز بلکه مستحب و دارای ثواب است، شرک می‌دانند.

۳. کاستن از مقامات پیامبران و اولیای الهی

بر اساس دیدگاه وهابیت، پیامبران و اولیای الهی، پس از مرگ کوچکترین تفاوتی با افراد عادی ندارند. محمد بن عبد الوهاب روزی کنار قبر رسول الله ﷺ آمد و گفت: عصای من بهتر از محمد ﷺ است زیرا از آن می‌توان در کشتن مار و مانند آن کمک گرفت در حالی که محمد ﷺ مرده و هیچ نفعی نمی‌رساند و فقط او نامه رسان بود.^۱

۴. تکفیر مسلمین

وهابیت، توسل و شفاعت در مورد پیامبران و اولیای الهی و زیارت، نماز و دعا در کنار قبور اولیای الهی را مغایر با توحید می‌دانند و معتقدند هر کس به پیامبر اکرم ﷺ و ائمه علیهم السلام توسل پیدا کند، مشرک است، مستند این دیدگاه وهابیت گفته ابن تیمیه است که تصریح می‌کند: «من توسل بعظیم فقد کفر؛ هر کس به انسان بزرگی توسل شود کافر شده است».

جنایات وهابیه‌ها

تخریب قبور ائمه چهارگانه بقیع، حمله به حرم مطهر سیدالشهدا علیه السلام در کربلا، انهدام آثار تاریخی اسلام همچون محل تولد پیامبر اکرم ﷺ در مکه، خانه حضرت خدیجه، محل تولد حضرت زهرا علیها السلام، خانه حضرت حمزه تنها گوشه‌ای

۱. الدرر السنیة، زینی دحلان مکی شافعی، ص ۲۸؛ درسی‌نامه نقد وهابیت، ص ۸۲ و ۸۳.

از جنایات وهابیت است. حمله به بقیع در تاریخ ۱۲۱۶ همزمان با عید سعید غدیر که بیشتر مردم عازم کربلا بودند رخ داد.

اعتراف تکان‌دهنده

شیخ عثمان نجدی از مورّخین قرن (۱۳) می‌گوید: وهابی‌ها به صورت غافلگیرانه وارد کربلا شدند، بسیاری از مردم را کشتند، گنبد قبر حسین علیه السلام را تخریب کرده و آنچه داخل قبه بود از جمله سنگ روی قبر را که با دانه‌های زمرّد و یاقوت و جواهرات دیگر آراسته شده بود، به غارت بردند و نزدیک ظهر از شهر بیرون رفتند که تا آن وقت حدود دو هزار نفر را به قتل رسانده بودند.^۱

برخی دیگر از تاریخ‌نویسان نوشته‌اند که امیر سعود با سپاهی مرکّب از ۲۰ هزار مرد جنگی وارد کربلا شدند و گفته شده در یک شب ۲۰ هزار نفر را به قتل رساندند.^۲

یکی دیگر از نویسندگان می‌گوید: قریب به پنجاه هزار نفر را به قتل رساندند و نزدیک به پنجاه نفر را فقط نزد ضریح مطهر کشتند و ۵۰۰ نفر را دورتر از ضریح در صحن مطهر به شهادت رساندند.^۳ بعضی دیگر نوشته‌اند که ضریح مطهر را از جا کردند و در کربلا حمام خون به راه انداختند.

پس از کربلا جهت تخریب قبر امیرالمؤمنین علیه السلام روانه نجف اشرف شدند، اما در وسط راه با گروهی از مردم درگیر شده و شکست خوردند.

اختلاف مسلمین و وهابیون تکفیری عمدتاً بر سر چند مسأله است:

۱. تحریف قرآن؛

۲. سجده بر خاک؛

۱. عنوان المجد فی تاریخ نجد، ج ۱، ص ۱۲۱.

۲. درسنامه نقد وهابیت، ص ۲۱۴: مرحوم سید محمد جواد عاملی (ت ۱۲۲۶) صاحب کتاب مفتاح الکرامه می‌گوید: وهابیون در سال ۱۲۱۶ هجری قمری به کربلا حمله کردند. مردان و کودکان را به قتل رسانده و اموال مردم را به غارت بردند. وهابیها با جسارت به قبر شریف امام حسین علیه السلام و بارگاه مقدّس آن حضرت، ستون‌ها و بناها را تخریب کردند. (مفتاح الکرامه، ج ۵، ص ۵۱۲)

۳. درسنامه نقد وهابیت، ص ۲۱۲.

۳. بناء قبور؛
۴. زیارت قبور؛
۵. توسل به اولیای الهی؛
۶. استعانت جستن از اولیاء؛
۷. گریه کردن بر میت؛
۸. اعتقاد به قدرت غیبی برای اولیای الهی؛
۹. شفاعت؛
۱۰. نذر کردن برای غیر خدا؛
۱۱. توحید در عبادت؛
۱۲. اقامه مجالس برای اولیای الهی؛
۱۳. نماز خواندن نزد قبور اولیای الهی؛
۱۴. تبرک؛
۱۵. اختلاف در وضوء و موارد دیگر؛

تقدیر و تشکر

بر خود لازم می‌دانم از باب «من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق» از جناب محقق محترم آقای ناصرالرضا ضیائی‌نیا که ترجمه متون درسی را به عهده گرفتند، و جناب حجة الاسلام آقای کامران که ویراستاری کتاب را انجام دادند، کمال تشکر را داشته باشم.

همچنین از حضرت حجة الاسلام والمسلمین حبیبی‌تبار مسئول مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم‌السلام که مسئولیت چاپ این اثر را به عهده گرفتند قدردانی می‌کنم و ثواب این اثر را به روح مرحوم پدرم، حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ محمد رضا طبسی هدیه می‌کنم.

قم. محمدجعفر طبسی. مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام

مقدمه مترجم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضُّرَّ وَجَنَّا بَيْضَاعَةَ مَرْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ
وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ﴾^۱

امروزه به برکت انقلاب اسلامی، معارف اهل بیت علیهم السلام به سراسر دنیای اسلام و حتی غیر مسلمانان رسیده و فراگیری بیداری اسلامی، باعث افزایش علاقه مسلمانان به این معارف شده است. در این میان رسالت عالمان شیعی و طایفه داران معارف اهل بیت علیهم السلام، بیش از پیش سنگین تر به نظر می رسد چرا که بدون تسلط بر افکار و عقاید و مسائل فقهی مذاهب مختلف، هدایت آنها به سمت معارف ناب اهل بیت علیهم السلام، امکان پذیر نیست. بهترین گواه این مدعا، سیره سلف صالح در مواجهه با افکار و عقاید مذاهب اسلامی و هدایت آنها به معارف اهل بیت علیهم السلام است. علمای شیعه همواره با تسلط به مبانی فقهی و عقاید مذاهب اسلامی، سعی در هدایت آنها به معارف زلال اهل بیت عصمت و طهارت داشته اند. آثاری همچون «انتصار» و «ناصریات» سید مرتضی، «خلاف» شیخ طوسی، «معتبر» محقق حلی، «تذکره» و «منتهی» علامه حلی، گویای این مدعاست.

ضرورت آشنائي طلاب حوزه هاي علميه ودانشجويان با مباني وافكار مذاهب مختلف اسلامي در دوران كنوني بيش از پيش روشن شده، چرا كه مواجهه با افكار و عقايد مذاهب گوناگون در قالب شبكه هاي اجتماعي، تشنگي نسل تحصيلكرده جوامع اسلامي را در دريافت معارف اهل بيت (عليه السلام) دو چندان كرده است واين رسالت حوزه هاي علميه است كه آب زلال معارف اهل بيت (عليه السلام) را به تشنگان اين مسير بنوشانند.

كتاب حاضر كه حاصل درسهاي محقق ارجمند واستاد فرزانه حضرت حجة الاسلام والمسلمين شيخ محمدجعفر طبعي است، گام بسيار مهمي در جهت معرفي مهمترين مسائل مورد اختلاف مسلمين وتبيين ديدگاه اهل بيت (عليه السلام) است. به اميد آن روز كه كام تفديده تشنگان حقيقت در سراسر دنيا با آب حيات معارف خاندان رسالت سيراب گردد.

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾^۱

در پايان، ارزش معنوي ترجمه اين اثر را اهدا مي كنم به روح مطهر مادرم كه بعد از تكميل اين اثر به رحمت الهي پيوست.

قم. ناصرالرضا ضيائي نيا